

تأثیر آوا و سیما

در القای معنا

ریحانه صادقی

دبیر آموزشگاه‌های استعداد‌های درخشان (دوره اول متوسطه) ناحیه ۲ اصفهان و دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری

علاقه در این قشر جامعه، به‌ویژه دانش‌آموزان، نسبت به درک متون ادبی و گسترش درون‌مایه آن فراهم آید.

۲. محتوای کلی منظومه

منظومه «کودکی از جنس نارنجک» سروده «محمد گودرزی دهریزی» ۲۰۲ سطر شعری دارد که بخش‌هایی از آن (۷۴ سطر شعری) با عنوان «آرشی دیگر» در کتاب فارسی پایه نهم متوسطه اول (درس دهم، صفحه ۷۹) مذکور است. «این سروده که «استقبالی» از منظومه «ظهر روز دهم» از «قیصر امین‌پور» (۱۳۸۶ - ۱۳۳۸) است، «به لحاظ مضمون و روایی بودن و نیز برخی ساختارها، هم‌سویی‌هایی مستقیم و غیرمستقیمی هم با شعر «آرش کمان‌گیر» اثر «سیاوش کسرای» (۱۳۷۴ - ۱۳۰۵) دارد» (ر.ک. نوبهار، ۱۳۸۷: ۳۹). پیکره شعر نشان می‌دهد که از ترکیبی آزاد برخوردار است. این منظومه که در قالب شعر نو (نیمایی) است، در آغازین مصرع بر وزن «فاعلاتن/ فاعلاتن، فع» در بحر رمل است. پایه وزن در سراسر شعر حفظ می‌شود ولی در میانه شعر به مصراع‌هایی برمی‌خوریم که اوزان بلندتر یا کوتاه‌تری دارند. در مجموع، کمترین طول مصراع‌های این شعر برابر است با «فاعلاتن/ فع» (تن ت تن تن/ تن). در بیشتر مصراع‌ها پایه «فاعلاتن» دو بار و در برخی سه یا چهاربار تکرار می‌شود. بدین ترتیب، شاعر طول مصراع را در سراسر شعر کم و زیاد می‌کند. گذشته از وزن، طرز قرارگیری قافیه‌ها نیز در این شعر ثابت نیست؛ گاه قافیه دو یا چند مصراع به‌طور پیاپی ذکر می‌شود و یا آنکه این شیوه با فاصله به کار می‌رود (ر.ک. امانی طهرانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۹۸).

گودرزی دهریزی تلاش کرده است که با توصیف گوشه‌هایی از صحنه‌های جنگ ایران و عراق، حقایق پنهان جبهه حق علیه باطل را به مخاطب القا کند. ساختار لفظ و زبان ادبی و موسیقایی و جلوه واج‌ها و آواها نشان‌دهنده معانی خاصی است و تصویر جنگ را به روشنی به ذهن مخاطب القا می‌کند.

چکیده

در پژوهش حاضر، تأثیر صوری و لفظی واج‌ها و آواها بر القای معانی در برخی ابیات منظومه «کودکی از جنس نارنجک» سروده محمد گودرزی دهریزی بررسی می‌شود. بخش‌هایی از این منظومه در کتاب درسی فارسی پایه نهم با عنوان «آرشی دیگر» به نگارش درآمده است. شاعر در این منظومه علاوه بر توجه به معنا و محتوا در نشر ارزش‌های دفاع مقدس، به ساختار و صورت نیز توجه نشان داده و در برخی ابیات از طریق کاربرد واج‌ها، معنا را به‌نحوی بارز و مؤثر به مخاطب القا کرده است.

او به‌عنوان راوی، از زاویه دید دانای کل و از طریق توصیف رفتار و عمل رزمنده نوجوان، به کمک واج‌ها و حروف، میدان رزم و دلاوری‌های رزمنده نوجوان را توصیف می‌کند.

کلیدواژه‌ها: کودکی از جنس نارنجک، آوا - معنایی، سیما -

معنایی، ساختار زبانی، تکرار

۱. مقدمه

شعر را از نظر مخاطب به چهار گروه «خردسال»، «کودک» و «نوجوان» و «بزرگسال» تقسیم کرده‌اند.

شعر گروه سنی نوجوان به لحاظ ویژگی‌های روحی - روانی، حد وسط شعر کودک و بزرگسال است. از نظر ماهیت ادبی بین شعر کودک و نوجوان و بزرگسال، گذشته از برخی محدودیت‌ها، تفاوت

چندانی وجود ندارد. محدودیت‌های ناشی از مخاطب، که با ساده‌نویسی همراه است، نباید مانع حذف عناصر زیبایی‌شناسانه شود. همه عناصر زیبایی‌شناسانه و تخیل‌آفرین در شعر کودک و نوجوان با رعایت برخی ضرورت‌ها و محدودیت‌ها کاربرد دارند (ر.ک. گودرزی دهریزی، ۱۳۸۸: ۵۷). از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی شعری اختصاص دارد که در کتاب درسی گروه نوجوانان قرار گرفته است ضرورت دارد با بیان زیبایی‌های اثر، زمینه برای ایجاد انگیزه و





۱-۲. تکرار واج، واژه، جمله

تکرار واج‌ها علاوه بر ایجاد موسیقی درونی شعر، القاگر معانی و پدیده‌ها و تصاویر، احساسات و اندیشه‌هاست (ر.ک. قویمی، ۱۳۸۳: ۶). پیروان مکتب نمادگرایی (symbolism) بر این باورند که با مداد احساس و تخیل می‌توانند حالات روحی را با موسیقی کلمات و با آهنگ و رنگ و هیجان تصویر کنند (ر.ک. سیدحسینی، ۱۳۹۱/۲: ۵۵۱). در اینجا شعر را از این دریچه مشاهده و بررسی می‌کنیم.

جنگ جنگی نابرابر بود/ جنگ جنگی فوق باور بود

از همان آغاز، خواننده با چهار مرتبه تکرار واژه «جنگ» مواجه می‌شود که یادآور دو جبهه متقابل و ستیز میان خوب و بد است. از سویی نیز بیانگر بینش گوینده نسبت به جماعتی است که متجاوزند و نبردی نابرابر و ناجوانمردانه را بر گروهی دیگر تحمیل می‌کنند. شاعر با آوردن این دو مصراع ترجیعی در بخش‌های مختلف منظومه، مفاهیمی چون «مظلومیت، بی‌عدالتی، خشونت» را به مخاطب القا می‌کند. این تکرارها برای آن است که

خواننده با توجه به ابتدای شعر، انتهای آن را درک کند و به عبارت دیگر، سرنخ را تا انتهای شعر داشته باشد و آن را به فراموشی نسپارد. از سویی، تداعی گر شرایط جنگی نابرابر و پرمشقت نیز هست.

شاعر با توسل به هنر تکرار واج‌ها و واژه‌ها بی‌آنکه به توصیف یا شرح دقیق میدان رزم نیاز داشته باشد، می‌تواند تصاویر ذهنی یا اندیشه‌های موردنظر را قابل لمس کند یا آن‌ها را در ذهن خواننده بیدار سازد. بنابراین، باید گفت همخوان‌ها و واژه‌ها هر دو در القای معانی متن مؤثرند. شاعر در بخش دیگر سخن با تکرار «... را نمی‌دیدند» در جایگاه ردیف، در پنج مصراع پیاپی مفهوم «کوردلی» را که در وصف دشمنان به کار برده است، توضیح می‌دهد و تبیین می‌کند: دشمنان کوردل اما/ در دلش خورشید ایمان را نمی‌دیدند/ تیغ آتش خیز «دستان» را نمی‌دیدند/ در نگاهش خشم و آتش را نمی‌دیدند/ بر کمانش تیر «آرش» را نمی‌دیدند/ در رگش خون «سیاوش» را نمی‌دیدند

۲-۲. تکرار واج‌ها و همخوان‌های القاگر

از رهگذر نظام موسیقایی درونی، تکرار واج‌ها القاگر آواست و همین مطلب موجب برجستگی زبان و رستاخیز کلمات می‌شود. ذکر زیبایی‌های ساختاری و لفظی زبان در کلاس درس، علاوه بر تمرکزبخشی بر متن، شور و نشاطی خاص در فراگیرندگان ایجاد می‌کند و متون ادبی را در نظر آنان دلکش و جذاب می‌سازد. این امر موجب دقت‌نظر و تعمق بیشتر نوجوان در خوانش و درک زیبایی‌شناسانه متن می‌شود و در نتیجه او را به سرور و التذاذ ادبی سوق می‌دهد.

کیسه‌های خاکی و خونی/ خط مرزی را جدا می‌کرد
دشمن بد عهد بی‌انصاف/ با هجوم بی‌امان خود/ مرزها را جابه‌جا می‌کرد

گوینده، پیامی را از طریق تکرار واج‌ها به خواننده منتقل می‌کند. بسامد وقوع همخوان «ی» القاگر نجوای آهسته، صداها نازک و سروصدای تیز است (ر.ک. قویمی، ۱۳۸۳: ۲۷). واج «ی» به خوبی بیانگر این نکته است که گویی رزمندگان در محیط پراشوب و سخت قرار دارند و پیچ‌پیچ میانشان برقرار است.

پس از آن، واج انسدادی «ب» در مصراع‌های ششم تا هشتم معنارسان است. هر گاه در تولید آوا، دو اندام گویایی لب چنان در تماس با هم قرار گیرند که مجرای گفتار برای مدتی کاملاً مسدود شود و جریان هوا منقطع گردد، شیوه انسدادی حاصل می‌شود که آن را انفجاری و بندشی نیز نام نهاده‌اند؛ مثل «ب» و «پ» (ر.ک. حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۵۳). «م» و «ب» از همخوان‌های دولبی است. واج «م» بیانگر ناخشنودی و عدم رضایت است (ر.ک. قویمی، ۱۳۸۳: ۴۹). گویی سخنور، اندوهگینانه بر آن است که روایتی را از سر شکوه و شکایت برای مخاطب حکایت کند؛ روایت از دشمنی که عهد و انصاف ندارد و سرمست از غرور و شادی، بی‌امان و



متجاوزانه پیشروی می‌کند و مرزها را در هم می‌شکند. تکرار واج «آ» و توجه به تصویر این حرف، حرکت و ایستایی دشمن و هجوم او را القا می‌کند. واژه‌های درخشانی چون «آ» برای بیان صداها بلند، هیاهو، همهمه، شکستن و تکه‌تکه شدن اشیاء، فروریختن و قهقهه است (ر.ک. قویمی، ۱۳۸۳: ۳۱). می‌بینیم که صحنه نبرد از همان آغاز بر تجاوز گروهی بر گروه دیگر بنا می‌شود.

۳-۲. تکرار همخوان‌های القاگر «خ»

برخی واج‌ها چون مصوت‌های بلند و کوتاه کاملاً گوش‌نواز و موسیقایی هستند. پس از آن، صامت (همخوان)‌ها نیز خوش‌آهنگ‌اند. ناخوش‌ترین حرف فارسی «خ» است که به گفته ابن‌سینا در کتاب مخارج الحروف صدای آن از کشیدن ریگی بر پوست خشک حاصل می‌شود. با این حال، باید دانست که زیبایی تکرار حرف در شعر براساس اصل وحدت در کثرت است. براین پایه، تکرار حرف «خ» نیز خالی از زیبایی نخواهد بود (ر.ک. وحیدیان کامیار، ۱۳۸۷: ۲۲). کاربرد این واج در مصراع‌های مذکور و نیز تکرار واژه (جنگ) (خون) تأثیر بیشتر حال و هوای جبهه و جنگ را دارد؛ بدین معنا که «خ» با خاک و خون و ترسیم آن فضای خاک‌آلود که گرد و غبار را به حلق فرو می‌فرستد و صدای نفس رزمندگان و مردمی را که در این فضا به سختی نفس می‌کشند. گویی آن‌ها با تکرار خخخ... مانع ورود خاک به دهان خود می‌شوند. در واقع، چون خاک در حلق کسی فرو رود چنین واجی از دهان او خارج می‌شود تا از ورود گرد و خاک به حلق جلوگیری کند. براین پایه، نوعی آوا - معنایی را به ذهن متبادر می‌کند و ذهن مخاطب متن با رنج‌ها و دشواری‌های فضا مواجه می‌شود.



آوا - معنایی یا صدا - معنایی نمودار همسویی واج‌ها و واژه‌هاست؛ یعنی واج‌ها با آوای خود ذهن و ضمیر خواننده را به سویی می‌برند که واژه‌ها با معنای خود. آوا - معنایی آن است که «آهنگ و آوای برخاسته از سخن با حال و هوای معنایی، عاطفی و تصویری آن همخوان باشد و چه بسا آن را فریاد آورد» (ر.ک. راستگو، ۱۳۸۲: ۲۰۴). همین موضوع در جهت برجستگی زبان و شگردهای القای معانی به مخاطب کمک می‌کند و از همین روی، «به دلیل القای نوعی معنی ثانوی می‌تواند ابزار شعرآفرینی نیز به حساب آید» (صفوی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۳۷).

است و این واژه «نارنجیدن» را فرا یاد می‌آورد. در نهایت چنین فرایندی، لطافت و عطوفت کودک به خشونت و صلابت یک رزمنده در میدان رزم تبدیل می‌شود. شگرد دیگر در هم‌نشینی الفاظ روی زنجیره گفتار در واج «چ» نمایان می‌شود. رسم‌الخط حرف «چ» نیز ترسیمی از «چ» را به خاطر می‌آورد. همین نکات است که در ادراک معنای متن و جهت‌گیری پیام در ترغیب مخاطب برای فهم آن مؤثر واقع می‌شود و زیبایی متن را دو چندان می‌کند.

۲-۴-۲. سیمای دست و دشت و تل

لحظه‌ای دیگر/ از تمام تانک‌ها تنها/ تلی از خاکستر خاموش/ ماند روی دست‌های دشت اگر به تفاوت دو واژه «دست» و «دشت» دقت کنیم، به تصویری نو از صحنه انهدام تانک‌ها و ماندن توده و تلی از خاکستر برمی‌خوریم. می‌دانیم که دو کلمه مذکور «جناس خط» دارند. با توجه به آرایه «جناس خط» یا «جناس تصحیف»

که در آن دو رکن در نوشتن و از نظر خطی (صرف نظر از نقطه) یکسان و از نظر تلفظ و خواندن نابرابرند (ر.ک. وحیدیان کامیار، ۱۳۸۷: ۲۸)؛ (و نیز ر.ک. تجلیل، ۱۳۷۱: ۴۸)

شاعر با توسل به هنر تکرار واج‌ها و واژه‌ها بی‌آنکه به توصیف یا شرح دقیق میدان رزم نیاز داشته باشد، می‌تواند تصاویر ذهنی یا اندیشه‌های مورد نظر را قابل لمس کند یا آن‌ها را در ذهن خواننده بیدار سازد

۲-۴-۲. گونه‌های سیما - معنایی

گاه شاعر افزون بر القای معنا به وسیله واج‌ها یا واژگان، با شکل نوشتاری سخن نیز حال و هوای متن را با سیمای نوشتاری همگام و منطبق می‌کند و از این رهگذر، بدان برجستگی و دل‌پذیری بیشتری می‌بخشد. این گونه هم‌خوانی و همگامی سیمای املائی و حال و هوای معنایی سخن را سیما - معنایی می‌نامند. سیما - معنایی انواع گوناگونی دارد: از شکل و شمایل املائی واج‌ها گرفته تا چگونگی نوشتن واج‌های یک واژه یا واژه‌های یک عبارت (ر.ک. راستگو، ۱۳۸۲: ۲۱۱).

۲-۴-۱. سیمای «ی، ج، ن»

خون میان سنگر آزادگان جوشید/ مثل یک موج خروشان شد/ کودکی از دامن این موج بیرون جست/ از کمند آرزوها رست/ چشم او در چشم دشمن بود/ دست او در دست نارنجک در این نمونه، سخن از کودکی است که از دامن دریای مواج رزمندگان در برابر دشمن به پا می‌خیزد. اگر با ژرف‌نگری به چپش واج‌های این واژگان دقت کنیم، آشکار می‌شود که تصاویری که از واج «و» و همخوان‌های «ی، ج، ن» متداعی می‌شود، با سیمای موج‌برانگیز دریای مواج و خروش و جوشش آب هماهنگی تمام دارد:

ج ن ی

شاعر آگاهانه یا ناخودآگاه، با کاربرد این واج‌ها کودکی شجاع و بی‌باک را بر دامن موج خروشان ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که با جسارت تمام در برابر دشمن می‌ایستد؛ در حالی که در دستانش نارنجک دارد. آنچه در این سخنان، تأمل‌برانگیز است تناسب واژگان «کودک، دامن، چشم، دست» با یکدیگر و در بردارنده عواطفی است که او را به مادر پیوند می‌دهد، اما در اینجا کودک به جای آنکه از دامن گرم مادر برخیزد و یا چشم در چشم پرمهر او بدوزد و دست نازک کودکانه خویش را به دستان نرم مادر بسپارد، به نوعی دیگر تصویر می‌شود؛ دستان او در دست «نارنجک»

باید گفت زمانی که تل خاکستر انباشته می‌شود، توده‌ای به وجود می‌آید (مثلاً به این شکل «●●» شبیه سه نقطه). حال این تل و توده خاکستر روی «دست» قرار می‌گیرد و «دشت» می‌شود. خواننده، روی دست، سیمای تلی از خاکستر را نیز می‌بیند و بدین صورت، سیما - معنایی در این عبارت شکل می‌گیرد و تصویر در تسهیل معنا یاری‌رسان است. بدین گونه، معلم می‌تواند در سایه بازنمایی ساختار و الفاظ، اندیشه‌های شاعر را برای دانش‌آموزان بیش از پیش قابل لمس کند و به تصویر بکشد.

۲-۵. گونه‌های ساخت - معنایی

به جز آوا - معنایی و سیما - معنایی، گاه گونه‌ای دیگر از همخوانی نیز در حال و هوای معنایی و درونی سخن با ساخت و بافت برونی آن دیده می‌شود که بدان ساخت - معنایی می‌گوییم. «این گونه معنایی آنجاست که سخن از واج‌ها و واژه‌هایی ساخت و بافت یافته باشد که پیامد آن به گونه‌ای با حال و هوای معنایی و تصویری سخن همگامی و هم‌خوانی داشته باشد» (راستگو، ۱۳۸۲: ۲۱۲). برای مثال، اگر هنگام خواندن بیت زیر از «حافظ» به حالت لب و دهان بنگریم، خواهیم دید که مصراع اول از واج‌ها و واژه‌هایی



ساخت و بافت یافته است که هنگام خواندنشان هم دهان باز می‌ماند و هم چندبار گشادگی بیشتری می‌یابد؛ درست همانند چشمی که چون با حسرت و حیرت به چیزی خیره شود، باز می‌ماند و گشاده می‌گردد. حالا اگر مصراع دوم را که از بوسه سخن می‌گوید با همین هدف بخوانیم، خواهیم دید که ازواج‌ها واژه‌هایی فراهم آمده که هنگام خواندن ناگزیر لب‌ها بیشتر بسته می‌شود و حالت بوسه به خود می‌گیرد (ر.ک. راستگو، ۱۳۸۲: ۲۱۳). در منظومه مورد بحث نیز می‌توان گونه‌هایی از ساخت معنایی را باز جست.

۲-۵-۱. ساخت - معنایی «ی»، «ن»، «م»

چشم‌ها از این و آن پرسان؛ «کیست این کودک؟/ او چه می‌خواهد از این میدان؟/ صحنه جانبازی است اینجا؟/ یا زمین بازی است اینجا؟»

شاعر در این مصراع‌ها رویارویی یک نوجوان را در برابر خیل دشمن به نمایش می‌گذارد. دشمن از رجزخوانی نوجوان رزمنده شگفت‌زده می‌شود و با لحنی معترضانه و تمسخرآمیز، خنده‌زنان نارضایتی خود را از این امر بروز می‌دهد. همخوان‌های خیشومی «م-ن» بیانگر این معناست.

در این مصراع‌ها، به واج‌های «ن، م» از آن روی که هنگام تلفظ آن‌ها هوا از راه بینی خارج می‌شود، در زبان فارسی همخوان خیشومی گفته‌اند. این واج‌ها غالباً صدایی شبیه نق‌نق آهسته را که بیانگر ناخشنودی و عدم رضایت است، القا می‌کنند (ر.ک. قویمی، ۱۳۸۳: ۴۹).

صدای نجوای آهسته دشمنان با یکدیگر درباره علت حضور کودک در میدان جنگ با نوعی تعجب همراه است. بهره‌گیری از آرایه تجاهل‌العارف و اعتراض به حضور نوجوانی در میدان رزم و نبرد به جای میدان بزم و بازی درک مؤثری از متن به خواننده می‌دهد. پرسش (به‌وسیله چشم‌ها) از هم (به جای زبان‌ها) و کاربرد حس‌آمیزی لطیف و دل‌نشین در متن، معنای دیگری را نیز القا می‌کند و آن حیرتی غافل‌گیرانه از نوع مبارزه نوجوان است. از سوی دیگر، به سخره گرفتن رفتار کودک و ناچیز دانستن عمل وی را نیز در بردارد. بنابراین، شاعر در ادامه سخن می‌گوید:

دشمنان کوردل تنها/ کودک ما را یکی دیدند/ کودکی دیدند/ طفل ناز و کوچکی دیدند/ هلهله کردند و خندیدند
بسامد زیاد واج «i/e» (یا) به لحاظ ساخت و تلفظ با معنا و محتوا هم رابطه‌ای درونی دارد.

در هنگام تلفظ و تولید آوای «ای» لب‌ها از هم جدا می‌مانند؛ باز و گشاده می‌شوند و در نتیجه، دندان‌ها نمایان می‌گردند. با کمی تأمل در الفاظ متن می‌توان حالت لب‌ها و چهره دشمن را در خندیدن از طریق واج‌ها و واژه‌ها دریافت. تلفظ «ای» حالت خندیدن دشمن و نمایان شدن دندان، و نیش زدن و طنز در جملات و عبارات را به خاطر می‌آورد. این شگرد زبانی موجب برجستگی و زیبایی سخن می‌شود و همخوانی ساخت با معنا را در پی دارد.

ناگهان تکبیر پروا کرد/ در میان آتش و باروت غوغا کرد/ کودکی از

جنس نارنجک/ در دهان تانک‌ها افتاد .../

جنس کودک از نارنجک است. این سخن، هماهنگی کودک و نارنجک را بیان می‌کند و با یکی شدن، گویی کودک همان نارنجک است که موجب ویرانی و نابودی و شکست صفوف دشمن می‌شود، اما از جنس نارنجکی که فریاد بلند تکبیر را به همراه دارد؛ دشمن را نابود می‌کند و روحش به پرواز درمی‌آید. هماهنگی صدای «تکبیر» و الله‌اکبر با صدای «تک تیر» و آتش و باروت و درهم تنیده شدن اصوات در این بخش فضای زیبایی در متن ایجاد کرده است.

۳. نتیجه

در این مقاله، بخشی از منظومه «کودکی از جنس نارنجک» سروده محمد گودرزی دهریزی با عنوان «آرشی دیگر» متناسب با درس دهم کتاب فارسی پایه نهم را توصیف و تحلیل کردیم و بیان نمودیم که ساختار صوری واژگان و الفاظ به‌ویژه واج‌ها و تکرار آن در متن اگر نیک و هنری به کار رود، تا چه اندازه می‌تواند در القای مفاهیم و محسوس نمودن صحنه نبرد و حالات روحی و روانی اشخاص مؤثر باشد. شعر کودک و نوجوان یکی از ابزارهای مهم و تأثیرگذار در شکل‌پذیری شخصیت کودکان و پیوند آنان با واقعیات زندگی است. توجه به ساختار و فرم کلمات در کنار محتوا، به‌خصوص در اشعار دفاع مقدس، می‌تواند رستاخیزی در جان و نهاد مخاطب برپا کند و چه بسا راه‌گشای مخاطب در فهم بهتر و درک عمیق حماسه پرافتخار کشورش باشد.

بنابراین، معلم قادر است در سایه بازنمایی ساختار و الفاظ، اندیشه‌های شاعر را برای دانش‌آموزان بیش از پیش قابل لمس کند و به تصویر بکشد.

منابع

۱. امانی طهرانی، محمود و دیگران (اعضای شورای برنامه‌ریزی). (۱۳۹۶). فارسی و نگارش ویژه مدارس استعدادی درخشان پایه نهم دوره اول متوسطه (کد ۱۳۱/۲). چاپ دوم. تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
۲. چنگیزی، علیرضا و دیگران (سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی). (۱۳۹۷). فارسی پایه نهم دوره اول متوسطه (کد ۱۳۱). چاپ چهارم. تهران: چاپ و نشر کتاب‌های درسی.
۳. حق‌شناس، علی محمد. (۱۳۹۲). آواشناسی (فونتیک). چاپ چهاردهم، تهران: آگاه.
۴. راستگو، سید محمد. (۱۳۸۲). هنر سخن‌آرایی (فن بدیع). چاپ اول، تهران: سمت.
۵. سیدحسینی، رضا. (۱۳۹۱). مکتب‌های ادبی. دوره دو جلدی، چاپ شانزدهم، تهران: نگاه.
۶. صفوی، کورش. (۱۳۸۰). از زبان‌شناسی به ادبیات. جلد دوم، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
۷. قویمی، مهوش. (۱۳۸۳). آوا و القا (رهیافتی به شعر اخوان ثالث). تهران: هرمس.
۸. کاکایی، عبدالجبار. (۱۳۷۶). نگاهی به شعر معاصر ایران (آوازه‌های نسل سرخ). چاپ اول، تهران: عروج.
۹. گودرزی دهریزی، محمد. (۱۳۹۰). کودکی از جنس نارنجک. چاپ سوم، تهران: روزگار.
۱۰. گودرزی دهریزی، محمد. (۱۳۸۸). «عیار فنی تصویرسازی و تخیل آفرینی در اشعار نوجوانانه قیصر امین‌پور». کتاب ماه کودک و نوجوان. اسفند، شماره ۱۴۹.
۱۱. حیدریان کامیار، تقی. (۱۳۸۷). بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی. چاپ سوم، تهران: سمت.